تعبیر «قلب سلیم» و تأیید معنای خلوص

شاگرد: در آیات دیگر هم فرمایش شما را تأیید می‌کند. «**لا يَسمَعُونَ فيها لَغواً وَلا تأثيماً إلّا قيلا سَلٰماً سَلٰماً**»[1]. یعنی خالص است.

استاد: از روایات شواهد روشن‌تری هست. در کافی شریف، در ذیل آیه‌ی «**إلّا مَنْ أَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**»[2]. هر کسی قلب سلیم را یک جوری معنا می‌کند. حضرت علیه السلام طوری معنا کرده‌اند که دقیقاً با این معنای لغوی، همآهنگ است. یعنی یک امر تعبدی نگفته‌اند که چون من امام معصوم هستم، از غیب برای «سلیم»، معنایی می‌کنم و کاری به لغت نداشته باشید. بلکه معنایی می‌گویم که دقیقاً با معنای لغوی خودش و حروفش همآهنگ است.

> «سأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِلّا مَنْ أَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قالَ الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِواهُ قالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ ساقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيا لِتَفْرُغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ»**[3]**.

«... وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِواهُ»؛ قبلی که در پیشگاه الهی حاضر می‌شود و در آن هیچ چیزی جز خداوند نیست. قلب سلیم است. دل یک دست و صاف است. «لا شیة فیها».

حال اگر ملائکه به دل من طلبه نگاه کنند، چه «شیة»هایی می‌بینند! آقای بیضاوی می‌گوید: «شیة» تزیینی است. اما به خیال خودمان هر چه قلبمان بیشتر نقش و خال داشته باشد، مزیّن‌تر هستیم و قشنگ‌تر است! درحالی‌که ملائکه بر عکس می‌بینند؛ می‌گویند هر چه صاف و پاک باشد، مزیّن است. نه اینکه این «وشی»، برای قلب زینت باشد. کار بر عکس است. چقدر قبلش زیبا است؛ اینها نکات قشنگی است. «يَوْمَ لا يَنفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ»؛ همه‌ی اینها «شیة» است. دلی که مشغول به مال و بنون است، همه‌ی اینها «شیة» است. «إلّا مَنْ أَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ دلی که مال و منال و بنون در آن نباشد.

آن آقا می‌گفت: به علامه‌ی طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه گفتم ...؛ فرمودند: سالک الی اللّه کاری با هیچ کسی ندارد، جز خداوند. شاید تعبیرشان این بود. گفتم: یعنی زن و بچه ندارد؟ گفتند: خیر. بعد گفتم: مگر دیگران با او فرق دارند؟؛ گفتند: آنها همه دارند. تعبیر قشنگی بود که علامه فرمودند. گفتند: همه زن و بچه دارند، یعنی اینها در دلشان جا دارد، ولی در دل او ندارد. یعنی خدایی که به او داده است، اینها، در کنار خدای متعال، در دلش جا نکرده‌اند. علی ای‌حال، این معنای خیلی عالیای از «لا شیة» است.

شاگرد: با مناسبت‌های صوتی حروف هم، معنا را می‌فرمایید؟

استاد: «مسلّمة ال شیة فیها». آقای حسن جبل چه گفت؟؛ گفت: رنگ این بقره، کل پوستش و کل وجودش، مسلّمة است. یعنی یک رنگی در کل وجود بقره، انسجاب و نفوذ کرده است، با استمرار، و این رنگ، از هیچ کجا فرو گذار نکرده است. پس با التیام است. یعنی با وجود او، هماهنگ و سازگار است. رنگی است که از خودش است و با او سر دشمنی ندارد. در تمام بدن او این رنگ ساری و جاری است. ببینید با آن معنا، مناسبت دارد. اینجا از جاهای خوب کتاب اوست.

شاگرد: با اینکه نفوذ، یک نحو ناخالصی است، یک چیزی در چیز دیگری نفوذ کند، ناخالصی میشود. ولی با توضیحی که میدهید، کاملاً سازگار میشود.

استاد: حالا چون بحثهای لغوی در زمان ما خیلی ممتع نشده است، نمیتوان خیلی وارد شد. ذوقیاتی میشود که سزاوار این نیست که من وقت شما را بگیرم. ولی قبلاً صحبتش شده بود. همینجا وقتی دقت میکنید، میبینید اینها هست. حالا ذوقی است یک حرفی است. مکرر خدمت شما گفتهام که [ای یک نفر] مباحثهای داشتیم. آنچه که یادم هست، چند تفسیر را مباحثه کردیم. آن وقتی که این جمله را گفتند، تفسیر کنز الدقائق را بحث میکردیم. تفسیر خیلی خوبی است. این را مباحثه میکردیم. خُب، مباحثهی دو نفری و طلبگی بود. هر چه در این بحث لغوی به ذهنم میآمد، برای ایشان میگفتم. ایشان اینطور نبود که بافتنیهای من را بپذیرد. لبخند میزد. گاهی که خیلی من اسب در میآمد و میدید خیلی جور در آمد، میگفت بافتنی است، اما بافتنی خیلی قشنگی است! خُب، حالا این بافتنی است، اما اگر ده تا از آنها قشنگ شود و در این ده تا، دو تا واقعیت علمی داشته باشد، خیلی میارزد. چون برای ساری مسائل علم لغت و فقه اللغة کلید میشود.

---

[1] الواقعة، آیات ۲۵ و ۲۶.

[2]. الشعراء، آیهی ۸۹.

[3]. شیخ کلینی، الكافی (چاپ الاسلامیة)، ج ۲، ص ۱۶.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 14:03:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:41:08 توسط ... .